

فارسی فیروز آبادی

دکتر روح‌انگیز کراچی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تهران، ۱۳۹۰

سرشناسه: کراچی، روح انگیز، ۱۳۳۳ -
 عنوان و نام پدیدآور: فارسی فیروزآبادی / روح انگیز کراچی.
 مشخصات نشر: تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۰.
 مشخصات ظاهری: ۳۱۷ ص: جدول.
 شابک: ۳-۵۳۰-۴۲۶-۹۶۴-۹۷۸
 وضعیت فهرست نویسی: فیا
 یادداشت: واژه نامه.
 یادداشت: کتاب نامه.
 موضوع: فیروزآبادی - دستور
 موضوع: فارسی - مصوت ها
 موضوع: فارسی - آوانداسی
 شناسه افزوده: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 رده بندی کنگره: ۳۰۲۴/۹۲ ک ۴ ۱۳۹۰ PIR
 رده بندی دیویی: ۳۰۳۰۸
 شماره کتابشناسی ملی: ۲۴۴۳۵۸۱



فارسی فیروزآبادی

مؤلف: دکتر روح انگیز کراچی
 ویراستار: افضل مقیمی
 ناشر: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 مدیر نشر: ناصر زعفرانی
 ناظر چاپ: مجید اسماعیلی زارع
 امور فنی: عرفان بهار دوست
 حروف نگار و صفحه آرا: مریم حبیبی
 طرح جلد: اعظم صادقیان
 اجرای جلد: عطال... کاویانی
 چاپ اول: ۱۳۹۰
 تیراژ: ۵۰۰ نسخه
 چاپ و صحافی: پردیس دانش
 ردیف انتشار: ۵۲-۹۰
 بها: ۹۰۰۰ تومان

حق چاپ برای پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی محفوظ است.

ISBN 978-964-426-530-3

شابک ۳-۵۳۰-۴۲۶-۹۶۴-۹۷۸

نشانی: تهران، صندوق پستی: ۱۴۱۵۵۴۱۹، تلفن: ۸۸۰۴۶۸۹۱-۳، فاکس: ۸۸۰۳۶۳۱۷

فهرست

۱۱		مقدمه
۱۵		نشانه‌ها
		فصل اول: بررسی آواشناختی و واج‌شناختی
۱۹		۱-۱. واج‌ها و واج‌گونه‌ها
۲۵		۲-۱. ساخت هجا
۲۶		۳-۱. تکیه
۲۸		۴-۱. صامت‌های میانجی
۲۹		۵-۱. فرایندهای آوایی
۳۰		۶-۱. مقایسه آوایی فارسی و فیروزآبادی
۳۰		۱-۶-۱. ابدال
۵۹		۲-۶-۱. حذف
۷۱		۳-۶-۱. افزایش
۷۲		۴-۶-۱. قلب

فصل دوم: ساخت واژه

۷۵	۱-۲. ساخت تصریفی واژه
۷۵	۱-۲. ۱-۱. اسم
۷۵	۱-۲. ۱-۲. ۱- مفرد و جمع
۷۷	۱-۲. ۱-۲. ۲- معرفه و نکره
۸۰	۱-۲. ۱-۲. ۲- ضمیر
۸۰	۱-۲. ۱-۲. ۲- ۱- ضمیر شخصی
۸۴	۱-۲. ۱-۲. ۲- ۲- ضمیر مشترک
۸۴	۱-۲. ۱-۲. ۲- ۲- ضمیر اشاره
۸۴	۱-۲. ۱-۲. ۲- ۴- ضمیر مبهم
۸۵	۱-۲. ۱-۲. ۲- ۵- ضمیر پرسشی
۸۶	۱-۲. ۱-۲. ۲- ۶- ضمیر متقابل
۸۶	۱-۲. ۱-۲. ۳- صفت
۸۶	۱-۲. ۱-۲. ۳- ۱- صفت از نظر ساخت تصریفی
۸۷	۱-۲. ۱-۲. ۳- ۲- صفت از نظر وابستگی به اسم
۸۷	۱-۲. ۱-۲. ۳- ۱- صفت پیشین
۸۷	۱-۲. ۱-۲. ۳- ۱- ۱- اشاره
۸۷	۱-۲. ۱-۲. ۳- ۲- ۱- مبهم
۸۸	۱-۲. ۱-۲. ۳- ۲- ۲- پرسشی
۸۸	۱-۲. ۱-۲. ۳- ۲- ۴- ۱- تعجبی
۸۸	۱-۲. ۱-۲. ۳- ۲- ۵- ۱- شمارشی
۹۰	۱-۲. ۱-۲. ۳- ۲- صفت پسین
۹۰	۱-۲. ۱-۲. ۳- ۲- ۱- ۲- نسبی
۹۰	۱-۲. ۱-۲. ۳- ۲- ۲- ۲- لیاقت
۹۱	۱-۲. ۱-۲. ۳- ۲- ۳- ۲- بیانی
۹۱	۱-۲. ۱-۲. ۳- ۲- ۴- ۱- ۲- قید

۹۱	۱- قید زمان
۹۲	۲- قید مکان
۹۳	۳- قید مقدار
۹۳	۴- قید چگونگی
۹۴	۵- قید حالت
۹۴	۶- قید نفی
۹۴	۷- قید آرزو
۹۵	۸- قید پرسش
۹۵	۹- قید تصدیق
۹۵	۱۰- قید تردید
۹۵	۱۱- قید علت
۹۶	۱۲- قید حصر
۹۶	۱۳- قید تکرار
۹۶	۱-۲. ۵- عدد
۹۶	۱- عدد اصلی
۹۸	۲- عدد ترتیبی
۹۸	۳- عدد کسری
۹۹	۱-۲. ۶- نقش نماها
۹۹	۱- حروف اضافه
۱۰۱	۲- حروف ربط
۱۰۲	۳- حروف تعریف
۱۰۳	۱-۲. ۷- اصوات
۱۰۵	۱-۲. ۸- نام آواها
۱۰۶	۱-۲. ۹- فعل
۱۰۶	۱- ستاک حال
۱۰۷	۲- ستاک گذشته
۱۰۸	۳- مصدر
۱۰۸	۴- اسم مفعول

۱۰۹	۵-وندهای تصریفی
۱۱۳	۶-وند سببی
۱۱۴	۷-انواع فعل از نظر زمان
۱۲۳	۸-فعل از نظر جهت
۱۲۴	۹-فعل معین
۱۲۴	۱۰-فعل معلوم و مجهول
۱۲۵	۱۱-فعل اسنادی
۱۲۸	۱۲-افعال پیوستی
۱۳۱	۱۳-فعل از نظر ساخت
۱۳۲	۱۴-ساخت برخی افعال
	۲-۲. ساخت اشتقاقی واژه
۱۷۹	۲-۲-۱. واژه از نظر ساخت
۱۷۹	۱-واژه ساده
۱۸۰	۲-واژه مشتق
۱۸۰	۳-واژه مرکب
۱۸۰	۲-۲. وندهای اشتقاقی
۱۸۰	۱-پیشوندهای فعلی
۱۸۱	۲-پیشوندهای غیرفعلی
۱۸۳	۳-پسوندهای غیرفعلی
۱۸۸	۲-۲-۳. واژه مرکب
۱۸۸	۱-مرکب فعلی
۱۹۰	۲-مرکب غیرفعلی
۱۹۵	۲-۳. واژه‌بست‌ها

فصل سوم: نحو (ساخت جمله)

۱۹۷	۱-۳. جمله
۱۹۷	۲-۳. اجزای جمله
۱۹۸	۳-۳. گروه و انواع

فهرست □ ۹

۲۰۳	۴-۳. جایگاه و نقش ضمیر شخصی پیوسته در جمله
۲۰۴	۵-۳. تطابق نهاد و فعل از نظر شخص و شمار
۲۰۵	۶-۳. انواع جمله از نظر وجود و نوع فعل
۲۰۶	۷-۳. انواع جمله از نظر تعداد فعل
۲۰۷	۸-۳. جمله شرطی
۲۰۸	۹-۳. انواع جمله از نظر وجه
۲۰۹	۱۰-۳. انواع جمله از نظر آهنگ

پیوست‌ها:

پیوست ۱. نمونه‌ها

۲۱۱	۱-۱. جمله‌های نمونه
۲۱۳	۲-۱. گفت‌وگوی دو خانم فیروزآبادی
۲۱۴	۳-۱. قصه فقر
۲۱۷	۴-۱. از دعوای مرسوم دو مرد فیروزآبادی
۲۱۹	۵-۱. ماجرای خواب‌هایم

پیوست ۲. جدول افعال ساده و غیرساده

۲۲۳	۱-۲. جدول افعال ساده
۲۲۸	۲-۲. جدول افعال غیرساده

پیوست ۳. واژه‌نامه و نام‌ها

۲۴۱	۱. واژه‌نامه
۳۱۵	۲. نام‌ها

۳۱۷	کتابنامه
-----	----------

مقدمه

فیروزآباد، از شهرهای باستانی ایران زمین است که در طول تاریخ این سرزمین با سرسختی امپیری‌اش پایدار به جا مانده است. اگرچه در دوره هخامنشیان وجود داشته اما درباره نام آن پژوهشی انجام نشده است. در دوره ساسانیان «گور» نامیده می‌شد و مرکز ایالت اردشیر خره بود. بعدها این نام را معرب کرده «جور» خواندند. پس از آن در دوره عضدالدوله دیلمی نام «جور» را به فیروزآباد تغییر دادند.

این شهرستان اکنون در غرب استان فارس و در فاصله ۸۵ کیلومتری جنوب شیراز واقع است. از شمال به شیراز و کازرون، از شرق به جهرم، از جنوب به لار و از غرب به بوشهر محدود است. مرکز آن فیروزآباد شامل ۲ شهر، ۲ بخش، ۵ دهستان و ۱۱۴ آبادی است. جمعیت کل آن ۱۷۴۷۸۳ و جمعیت شهری طبق سرشماری ۱۳۸۵، ۵۹۳۰۶ نفر است. وسعت آن ۳۵۴۲ کیلومتر مربع است. زبان مردم بومی، فارسی فیروزآبادی است.

در بررسی تاریخی زبان فارسی، این زبان که از خانواده هندواروپایی و از شاخه هند و ایرانی است، به سه دوره تقسیم شده است. ایرانی باستان: مادی، سکایی، فارسی باستان و اوستایی. ایرانی میانه: گروه میانه شرقی و میانه غربی، گروه میانه شرقی زبان‌های سغدی، سکایی، خوارزمی و بلخی و گروه میانه غربی، میانه

اشکانی و میانه ساسانی را شامل می‌شود. ایرانی جدید که به زبان فارسی دری معروف و ادامه منطقی میانه اشکانی و ساسانی است، از آغاز دوره اسلامی تاکنون رواج دارد و شامل گونه‌ها، گویش‌ها و لهجه‌های متنوعی است که در سرزمین پهنای ایران به کار می‌رود.

زبان‌شناسان در بحث گوناگونی زبانی، درباره مفاهیم زبان، زبان معیار، گویش، لهجه و گونه تعاریف زیر را بیان کرده‌اند:

«زبان»، دستگاهی است از علایم آوایی قراردادی که برای ارتباط بین افراد یک اجتماع به کار می‌رود. (← باطنی، ۱۳۶۳: ۹۰). «زبان معیار» گونه‌ای از زبان رسمی است که در یک جامعه زبانی به کار می‌رود و از سایر گونه‌ها اعتبار و منزلت بیشتری دارد و معمولاً در رسانه‌های گروهی و کتاب‌های درسی آن را به کار می‌برند و در مراکز آموزشی آن را تدریس می‌کنند. (← ساغروانیان، ۱۳۶۹: ۲۶۷؛ یول، ۱۳۷۴: ۲۶۵)

«گویش»، نظام زبانی خاصی است که در ناحیه‌ای جغرافیایی و درون مرزهای سیاسی یک کشور به کار می‌رود و از نظر دستوری، واژگانی و تلفظی با زبان معیار، کاملاً متفاوت است به طوری که درک آن بدون آموزش میسر نیست: گویش کردی، گویش گیلکی، گویش بلوچی و... (← مشیری، ۱۳۸۲: ۱۵۵۸)

«لهجه» شکلی خاص و مفهوم از تلفظ زبان معیار است که در نواحی جغرافیایی یا موقعیت فرهنگی گوناگون به کار می‌رود: شیرازی، اصفهانی، مشهدی و... (← همان ۱۵۹۲)

«گونه»، اصطلاحی خنثی است درباره هر نوع زبانی و یک نظام زبانی است بدون تأکید بر زبان و لهجه و یا گویش بودن آن. به عبارت دیگر، یک دسته از نظام‌های زبانی است که دارای وجوه اشتراک بسیار و تفاوت‌های کمی هستند و

امر تفهیم و تفاهم میان گویندگان آنها کاملاً امکان‌پذیر است: تهرانی، اصفهانی، شیرازی، کرمانی و... و نیز گونه نوشتاری، گونه گفتاری، گونه معیار، گونه رسمی. (← مدرسی، ۱۳۶۸، ۱۳۲ و ۱۳۳)

بر اساس این تعاریف، انتخاب گویش برای فیروزآبادی خالی از اشکال نیست زیرا «گویش» گونه‌ای زبان است که با زبان معیار کاملاً تفاوت دارد و فهم آن بدون آموزش غیرممکن است. گزینش «لهجه» برای آن نیز متفی است چون لهجه صرف‌نظر از این که صورت خاصی از تلفظ زبان معیار است، برخی زبان‌شناسان آن را مقوله‌ای فودی نیز می‌دانند. «گونه» می‌تواند نزدیک‌ترین مفهوم به فیروزآبادی باشد ولی از آنجا که برای خواننده آشنا نیست و در برخی ویژگی‌ها با لهجه همسو و همسان است و از این گذشته مفهوم فردی هم دارد، از گزینش آن نیز صرف‌نظر گردید و در نتیجه عنوان «فارسی فیروزآبادی» برای این پژوهش برگزیده شد، زیرا در فارسی‌بودن فیروزآبادی هیچ شکی وجود ندارد.

فارسی فیروزآبادی به گروه زبان‌های جنوب‌غربی ایران تعلق دارد و واژگان فراوانی از دوره‌های تاریخ در زبان محاوره ای مردم این حوزه جغرافیایی باقی مانده است که هم اکنون در فارسی امروزی و زبان ادبی نوشتاری به کار نمی‌رود. شهر فیروزآباد یک جامعه کوچک زبانی است که سه بافت اجتماعی - فرهنگی دارد: روستایی، عشایری و شهری.

این پژوهش کوششی است که به بررسی زبان‌شناختی فارسی مردم شهری آن می‌پردازد، گفتنی است که روستاییان ساکن این شهر علاوه بر استفاده از گونه‌های زبانی خود سعی می‌کنند همان فارسی فیروزآبادی را تقلید کنند و ساکنان عشایری آن نیز به ترکی سخن می‌گویند.

درباره فارسی فیروزآبادی تاکنون پژوهشی علمی صورت نگرفته است و این کار، نخستین تلاش در این زمینه است. گردآوری داده‌ها توسط نگارنده که خود

گویشور است و همچنین از راه گفت‌وگو با طبقات کم‌سواد و بی‌سواد به‌ویژه افراد میان‌سال و سال‌دیده به انجام رسیده و مطالب آن بر اساس روش معمول در زبان‌شناسی عملی ابتدا ضبط و ثبت شده و سپس در سه فصل و سه پیوست تنظیم گردیده است.

فارسی فیروزآبادی با تأثیر پذیری از رسانه‌های گروهی و مراکز آموزشی در حال دگرگونی و حتی فراموشی است تا آنجا که نسل جوان کمتر آن را به کار می‌برند. علاوه بر آن نفوذ واژه‌های ترکی، روستایی به صورت وام‌واژه با بسامد کم و لری با بسامد قابل توجهی در بخش واژگان آن مشهود است.

واژه‌های فیروزآبادی در مقایسه با فارسی معیار در سه گروه قرار می‌گیرند:

۱. واژه‌هایی که در ساخت و معنی با زبان معیار یکسانند.

۲. واژه‌هایی که در ساخت با زبان معیار تفاوت آوایی دارند.

۳. واژه‌هایی که با فارسی معیار کاملاً تفاوت دارند.

در پایان با اعتراف به ضعف و کاستی‌های این پژوهش و با سپاس فراوان از کسانی که همکاری کردند تا این کوشش به سامان برسد، خاضعانه آن را به پیشگاه همشهریان فرهنگ‌دوست تقدیم می‌کنم. امید است که فرهیختگان علاقه‌مند به این گونه کارها در ادامه این راه کاستی‌ها را جبران نموده و در راه شناخت و حفظ این میراث فرهنگی که آرزوی تحقق آن یک خواست ملی به شمار می‌آید، گام‌های مؤثر و ثمربخشی بردارند. این کتاب بدون همکاری جناب آقای افضل مقیمی، استاد متواضع زبان‌شناس به‌سرانجام نمی‌رسید، سپاسدار ایشانم که ویرایش کل کتاب را با دقت نظر تمام انجام دادند و نگارش ساختار دستور فارسی فیروزآبادی بدون نظر و راهنمایی ایشان ناممکن بود. در این راه خود را مدیون یاری و همراهی ایشان می‌دانم.

نشانه‌ها

الف. صامت‌ها:

خط آوانگاری

خط فارسی

b

ب

p

پ

t

ت / ط

j

ج

č

چ

h

ح / هـ

x

خ

d

د

z

ذ، ز، ض، ظ

r

ر

ž

ژ

s

س، ث، ص

š

ش

ʔ

ع / همزه

ɣ

غ

f

ف

q

ق

k

ک

g

گ

www.ketab.ir

l	ل
m	م
n	ن
v/w	و
y	ی/یـ

ب. مصوت‌ها:

خط آوانگاری

خط فارسی

a	اَ
e	اِ
o	اُ
i	ی/ای
u	و
ā	ا
ey	ای
ow	او
oy	اوی
ay	آی

ج. نشانه‌های دیگر:

خط آوانگاری

/ /

[]

'

:

→
←

()

/

ø

c

v

↗

↘

• •

+

-

خط فارسی

نشانه واج‌نویسی

نشانه آوانویسی

نشانه تکیه

نشانه کشش مصوت

تبدیل می‌شود / نگاه کنید به

اختیاری است

یا

صفر

consonant / صامت

vowel / مصوت

آهنگ خیزان

آهنگ افتان

برجسته نشان دادن

افزوده می‌شود

نشانه مرز نما